



بررسی عوامل مؤثر بر شیوه معماری التقاطی در آثار مارکوف در دوران پهلوی اول

شهرزاد صادقی

Shahrzad_sadeghi80@yahoo.com

چکیده:

با آغاز تاریخ معاصر ایران و افزایش دامنه مراودات با دول همسایه و غربی، گسترش نفوذ فرهنگ این جوامع در جامعه سنتی و بسته این سرزمین چشمگیر و ملموس شد. روند تغییرات سیاسی و آشنایی ایرانیان با مدرنیته که از زمان مشروطه در ایران آغاز شده بود، در دوران پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه در مسایل اجتماعی و هنری نیز نمود پیدا کرد. حکومت جدید پیگیر گسترش افکار نو و تجدد طلبی و ملی گرایی بود و به عنوان متولی این امر به دنبال صحنه‌ای برای نمایش تحولات جدید می گشت و یکی از بهترین عرصه‌ها، معماری در شهرهای در حال رشد و توسعه و تغییر بود. اگر در دوران قاجار به خصوص از زمان سلطنت ناصرالدین شاه به بعد هنر معماری ایران در شهری مثل تهران به شکل منفعلانه و یک‌جانبه تحت تأثیر معماری اروپا و غرب قرار گرفته بود، در دوران تحول پس از کودتای رضاخان و با تغییر حکومت و پیدایش دیدگاه‌های جدید و جنبش‌های هنری نو مانند آرت دکو و به واسطه حضور معماران غربی مانند نیکلای مارکوف و ایرانیان تحصیل کرده در فرنگ، سبک متفاوتی از معماری التقاطی و اثرگذار در ایران به وجود آمد. نیکلای مارکوف از جمله معمارانی است که شاید با توجه به حجم زیاد آثار بجا مانده، کمتر شناخته شده باشد و در این تحقیق، سعی در معرفی این معمار شده است و بررسی مختصری از عوامل مؤثر مانند ملی گرایی و مدرنیته و آرت دکو و معماری التقاطی که بر آثار معماری این دوران اثربخش بوده است، صورت می گیرد.

کلیدواژه: نیکلای مارکوف، مدرنیته، معماری التقاطی، آرت دکو.

**مقدمه:**

در طول تاریخ معاصر ایران از زمان انقلاب مشروطه تا حال حاضر دوره زمانی پهلوی اول یکی از بهترین و اثربخش‌ترین دوره‌ها در زمینه معماری به شمار می‌رود. معماری در این دوران دچار تحولی عمیق و بنیادین می‌شود که از دوران قبل و حتی بعد از آن متمایز است. تغییر ساختار جامعه ایران و به وجود آمدن دیدگاه‌های نوین سیاسی و اجتماعی در معماری این دوره نمایش داده می‌شود و حاکمیت با معماری به بیان اندیشه‌های خود می‌پردازد.

ایران پس از کودتای 1299 لازم بود مدرنیته شود و به همین دلیل ساختمان‌هایی که در این دوره جدید ساخته شد، لازم بود که خود را با روند مدرنیته و رو به رشد کشور هماهنگ کنند. «مدرنیته از دوره قاجار وارد ایران شده بود، منتها برخورد معماری ایران با مدرنیته در دوره پهلوی از جهاتی با قاجار متفاوت است، معماری دوران پهلوی اول در ارتباط با گذشته و پیوند با غرب تا حد زیادی انتخاب‌گراست»¹.

نقطه تلاقی مدرنیته، سبک‌های جدید میان هنری مانند آرت دکو، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، تجددطلبی و عقل‌گرایی در معماری این روزگار کاملاً چشم‌گیر است.

یکی از معماران تأثیرگذار در این دوران، نیکلای مارکوف بود. شهر تهران در سال‌های 1300 تا 1320 شاهد بسیاری از ساختمان‌های ساخته شده به دست این معمار بود.

روش تحقیق:

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی خواهد بود. یعنی پژوهشگر می‌کوشد ابتدا موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح کند و سرانجام تأثیرات این دوران بر معماری مارکوف را مورد تحلیل قرار دهد. بدیهی است که روش گرد آوری اطلاعات در این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای و اسنادی است.

آشنایی با نیکلای مارکوف:

نیکلای مارکوف متولد 1261 تا 1336 در شهر تفلیس، از بزرگترین شهرهای گرجستان که در آن زمان تحت حکومت روسیه تزاری قرار داشت، می‌باشد. تفلیس در جنوب شرقی اروپا قرار گرفته است و قرارگیری در مسیر شرق و غرب به این شهر، موقعیت مکانی خاص بخشیده است و از دیرباز از مراکز فرهنگی اسلام در اروپای شرقی محسوب می‌شده است. مارکوف در خانواده‌ای متمول و صاحب‌منصب رشد کرد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به دانشگاه سلطنتی سنت‌پترزبورگ رفت. با توجه به تولد و

¹ - خبری، فروغ (بررسی تأثیر اندیشه‌های مشروطه بر معماری دوره پهلوی) پرتال جامع علوم انسانی - پاییز 1392، شماره 3.



زندگی در تفلیس و گرجستان، می‌توان چنین تصور کرد که مارکوف جوان با بخشی از جهان ایرانی و اسلامی آشنایی مختصر داشته است.

پس از اخذ مدرک در رشته هنر و معماری در سال 1910 به دانشکده خاورشناسی رفته و زبان و ادبیات فارسی را فرا می‌گیرد و در اثنای تحصیلات، با مشیرالدوله صمیمیتی هم پیدا می‌کند (پیرنیا، شهرخ (1389) «یادی از خانه مشیرالدوله و خاطراتی از پدرم داود پیرنیا» مجله بخارا، شماره 57). مارکوف به عنوان یک درجه‌دار نظامی در خلال جنگ جهانی اول در قفقاز خدمت کرد و در سال 1917 آجودان فرماندهی بریگاد قزاق شد که یک واحد ویژه نظامی در ایران بود. در این دوران مارکوف دوست و هم‌ردیف رضاخان بود. «پس از انقلاب اکتبر روسیه، مارکوف در ایران باقی ماند و مجدد با خانمی متولد باکو ازدواج کرد. نظام را رها کرد و تنها به معماری پرداخت. مارکوف اولین دفتر کارش را در خیابان استانبول و سپس در خیابان فردوسی و ارباب جمشید دایر کرد و تا وقوع جنگ جهانی دوم، فعالیت پرثمری در ایران داشت» (دانیل، ویکتور- شافعی، سروشپانی (1382) معمار نیکلای مارکوف، تهران، دید)

مهاجرت از گرجستان به روسیه و در نهایت کار و زندگی در ایران و آشنایی با هنر معماری باعث ایجاد یک روحیه انطباق‌پذیری و التقاط هنری در نگاه معمارانه مارکوف شد (راستین، شادمهر «دروازه‌های قرن بیستم، بررسی آثار معماری نیکلای مارکف با نگاهی به کتاب «معماری نیکلای مارکوف» آینه خیال، شماره 7).

مارکف معماری ایرانی و شیوه سنتی احداث بناهای ایرانی و استفاده از مصالح محلی و بومی مانند آجر، سنگ، کاشی و گچ را می‌ستود و بعدها در بسیاری از بناهای خود از آجرهای خشتی استفاده می‌کرد.

آثار ساخته شده و به دست مارکوف زیاد و طیف وسیعی از انواع بناها را دربر می‌گیرد. این ساختمان‌ها شامل وزارتخانه، ساختمان شهرداری، اداره، کارخانه و زندان، مدرسه و مغازه می‌باشند.

بناهایی که در هویت بخشیدن به تهران قدیم نقش بسزایی داشتند، از جمله دبیرستان البرز، مدرسه ژاندارک، کارخانه قند ورامین، موزه پست، منزل مشیرالدوله و غیره . . .

عوامل مؤثر بر معماری در دوران پهلوی اول:

با تاجگذاری رضاشاه در سال 1304 و کسب قدرت بلامنازع، اصلاحات رضاشاه آغاز شد. این اصلاحات با آنکه قاعده‌مند نبود، اما بر مبنای تلاش‌هایی برای نوسازی و مدرنیزاسیون کشور بودند و سعی بر این بود تا با ساخت مؤسسات آموزشی به سبک اروپا، کارخانجات دولتی، شبکه راه‌های ارتباطی و همچنین ساختار اقتصادی نو و غیره، ایرانی نوین ساخته شود. این اصطلاحات به نیت



بازسازی ایران و طبق الگوی غرب و با هدف بلندمدت ارائه شده بود و برای رسیدن به این خواسته از مقوله‌هایی مانند مدرنیته و ملی‌گرایی نهایت استفاده شد. تغییر حکومت در ایران و خواست رژیم سیاسی جدید برای انجام تغییرات در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و هنری اثرگذار بود. نگرش جدید سیاسی در معماری این دوران کاملاً مشهود است و نشان‌دهنده نیاز حکومت و جامعه رو به رشد آن دوران به شیوه‌های جدید معماری در طراحی و اجرا بود. وجود معماران غربی مانند مارکوف و گدار و یا ایرانیان تحصیل کرده غرب مانند محسن فروغی که نوگرا بودند و جنبش‌های جدید هنری مانند آرت دکو و بحث معماری التقاطی همه در معماری این دوران که شاید تلفیقی از تمام این زمینه‌ها باشد تأثیر گذار بود.

دولت پهلوی با این نگرش که ساختار حکومتی سلسله قاجار باعث تأخیر در روند مدرنیته ایرانیان بوده و با سیاست تغییر فرهنگ ایرانی در ایجاد دگرگونی و تغییرات ساختار اجتماعی و هنری و فرهنگی نقش فراموش نشده‌ای داشته است. البته مدرنیته در ایران و غرب متفاوت از یکدیگر بود. «پروژه شبه مدرنیته در ایران از دیدگاه سیاسی از دوران مشروطه و از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی در دوران پهلوی آغاز شد» (امینی، علی‌اکبر ستوده، (1390) «پایگاه طبقاتی برخی از روشنفکران در دوران پهلوی و برخورد آنان با اندیشه‌های مردم سالارانه» مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی - شماره 285).

اواخر مشروطیت و دوران پهلوی اول را می‌توان دوران رسوخ و تداوم اندیشه‌های انتقادی و مدرنتیپدر ایران تلقی کرد. معماری در این دوران با نوعی عقل‌گرایی همراه با انتخاب از سنت گذشته و سبک مدرن غرب پیوند دارد. تداوم سنت معماری ایرانی که به شکل خطی و پیوسته بود دچار شکست می‌شود و معماری دوران‌های فرمواش شده مانند ساسانی و هخامنشی مورد توجه قرار می‌گیرد که در ایجاد این حالت، تفکرات ملی‌گرایانه‌ی اثرنبردند. (صارمی، علی‌اکبر، (1374) «مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی» مجله گفتگو شماره 10). ملی‌گرایی و توجه به تمدن و مظاهر تاریخی گذشته در ایران سابقه‌ای کهن دارد و شاید اولین اقدام به این شکل به دوران ساسانیان مربوط باشد. ساسانیان خود را از بازماندگان هخامنشیان می‌دانستند و با دنباله‌روی از فرهنگ و هنر و معماری هخامنشیان سعی بر تأکید به این مورد داشتند. این شیوه ملی‌گرایی در دوره پهلوی اول برخاسته از طرز تفکر احیای فرهنگ و سنت گذشته و ایجاد پایگاه مردمی با رواج تفکر ناسیونالیسم و عظمت‌گرایی گذشته و اتصال به حکومت شاهنشاهی قدرتمند هخامنشی و تأکید بر فرهنگ پیش از اسلام مجدد استفاده شد. این حرکت از دوران پس از مشروطه و روشن‌فکران پس از آن شروع شد. حکومت رضاشاه مشوق این طرز فکر بود و تقریباً تمام بناهای دولتی با این نگرش فکری بنا شدند.



معماری ایران در این دوران به واسطه استفاده و اتکا به فنون ساخت پیشین ایرانی و برداشت‌های با واسطه از هنر غربی و سبک‌های جدید هنری به نوعی از هنر ترکیبی دست یافته بود که حالتی منحصر به فرد به آن می‌بخشید که برای ایرانیان مفهوم تجدد نداشت و با فرهنگ و هویت ایرانی قرابت و نزدیکی معنایی داشت.

برای تشخیص خصوصیات معماری این دوران که وجهی از مدرن شدن و رشد را داشت، باید نقطه اشتراک معماری مدرن و جامعه مدرن را در نظر داشته باشیم، چرا که این خصوصیات به صورت ترکیب به معماری التقاطی معاصر می‌انجامد.

(حسین‌زاده دلیر، کریم، هوشیار (1384) «مدرنیسم و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره 19)

معماری التقاطی که از مکاتب معماری مدرن قلمداد می‌شود، ریشه در معماری اواسط قرن نوزدهم اروپا دارد. جایی که نقطه تلاقی سبک‌های معماری دوران گذشته و قافله پیشرفت و فنون در قلمرو اندیشه معماری به هم می‌رسند. تلاقی این اندیشه‌ها زمینه سبکی را ایجاد کرد که امروز از آن به نام التقاط‌گرایی نام برده می‌شود. این سبک تازه‌ای که در این دوران رایج شد، بیش از آنکه تقلید و کپی‌برداری از گذشته تاریخی باشد، دارای نگرشی عقلانی و نظامی منطقی بود. معماری التقاطی از آنجا توانست که به عنوان یک شیوه و سبک خود را معرفی کند که پایه‌ای فلسفی پیدا کرد و پشتوانه‌ای فکری منطقی داشت. (کیانی، مصطفی (1383). معماری دوره پهلوی اول، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) بحث معماری التقاطی در ایران در دو دهه اول قرن حاضر مطرح شد و همان طور که گفته شد، تلفیقی از سنت‌های ساختمان‌سازی گذشته ایران و بهره‌مندی از سبک‌های جدید هنری غرب بود.

«در دوره پهلوی اول در طی دو دهه آثار مختلف خود را تحت این تأثیرات به وجود آورد. آثاری به شیوه‌های ملی، سنتی، نئوکلاسیک اروپا، مدرن و یا ترکیبی از آنها، التقاطی و نیز نمونه‌های اولیه سبک مدرن را تجربه کرده بود.» (همان) در این روند رو

به رشد و با پذیرش نظام‌های اجتماعی و فرهنگی اروپا معماری ایرانی نمی‌توانست تمام سنت‌های گذشته خود را رها کند و ناگزیر باید راهی برای پیوند این دو مقوله پیدا می‌شد. از این رو است که در معماری این دوران عناصر بیشتر از معماری باستانی و سنتی گرفته شده‌اند و فنون از معماری تکامل یافته غرب. (رجبی، پرویز (1355) معماری ایران در عصر پهلوی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران).



در دهه‌های 20 و 30 میلادی شاهد بزرگترین مباحث در طراحی هستیم. این جدال در میان حامیان سبک مدرن و حمایت‌کنندگان طراحی بر پایه سبک‌های تاریخی در گرفت. در واقع آرت دکو یک جنبش هنری بود که پاسخی به تغییرات فنی و اجتماعی در شروع قرن بود.

در این سبک بیشتر تقارن دیده می‌شود تا عدم تقارن و در معماری بیشتر به صورت فرم‌های هندسی خودنمایی می‌کند. آرت دکو به عنوان نسخه‌ای ملایم از مدرنیته استفاده می‌شد و سبک غالب بین دو جنگ جهانی بود و تلفیقی از تاریخ و مدرنیته محسوب می‌شود. نحوه بیان این سبک هنری در چارچوب‌های کلاسیک و بهره‌مندی از تکنیک‌ها و روش‌های مدرن بود که این ترکیب در قالبی تازه ارائه می‌شد.

«توسعه آرت دکو به وسیله نمایشگاه‌هایی در فرانسه و آمریکا متقارن با 2 دهه اول قرن چهاردهم شمسی و زمانی است که ایران وارد مرحله جدیدی از تاریخ داخلی و روابط بین‌المللی و نیز دوره نوینی از ساخت ابنیه با کاربردهای جدید می‌شود». (دانیل، ویکتور، شافعی، سروشیانی (1382) معماری نیکلای مارکوف، تهران، دید).

در بررسی آثار مارکوف و با توجه به تجاربی که در مورد مهندسی قبل از وی وجود دارد، متوجه این موضوع خواهیم شد که شاید دلیل اصلی اقبال عمومی از آثار مارکوف و موفقیت مارکوف به عنوان یک معمار و مهندس غیر ایرانی در ساخت بناهایی ماندگار در ایران، بیشتر مرهون پیروی وی از شیوه‌هایی از ساخت بود که هنوز هم در ایران ادامه داشت (موسوی، جلیل (1391) «میراث معماری مدرن ایران» کتاب ماه شماره 163).

نتیجه‌گیری:

مارکوف از آن دسته از معماران غربی بود که از نظر فرهنگی و جغرافیایی با توجه به محل تولد به ایرانیان نزدیکتر بود. این نزدیکی فرهنگی، اثربخش در آثار معماری او بود. در اکثر کارهای مارکوف تلفیق مناسب از عناصر معماری اسلامی در کنار برداشت‌های باستان‌گرایانه و با تکیه بر دانش آکادمیک معماری و آشنایی با هنر غربی و التقاطی مناسب در تمام این دانسته‌ها دیده می‌شود. مارکوف در دورانی در ایران کار می‌کرد که طراح می‌بایست با هوشیاری اجزا و عناصر خاصی از دوره‌های گوناگون را به هم پیوند می‌داد.

در اواخر دوران قاجار تأثیرپذیری یکسویه و افراطی از معماری غرب و عدم هماهنگی این معماری با هویت و فرهنگ ایرانی کاملاً مشهود بود. اهمیت کار مارکوف در این دوران بسیار زیاد است، زیرا با توجه به عوامل تأثیرگذاری مانند مدرنیته و ملی‌گرایی مطرح شده در حاکمیت جدید حالت افراطی‌گری معماری گذشته در آثار مارکوف وجود ندارد.



فهرست منابع و مراجع:

- 1- دانیل، ویکتور و شافعی، بیژن و سروشیان، سهراب (1382)، معماری نیکلای مارکوف، نشر دید، تهران
- 2- کیانی، مصطفی (1383)، معمار دوره پهلوی اول (دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش، شکل‌گیری، معماری دوره بیست ساله معاصر ایران (1299-1320)، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- 3- رجبی، پرویز (1355)، معماری ایران در عصر پهلوی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.
- 4- راستین، شادمهر، دروازه‌های قرن بیستم، بررسی آثار معماری نیکلای مارکوف با نگاهی به کتاب معماری نیکلای مارکوف، آیین خيال، شماره 7.
- 5- داعی پور، زینت (1386)، باستان‌گرایی با شیوه ملی (مقایسه نئوکلاسیک اروپا) رهپویه هنر، شماره 4.
- 6- صارمی، علی‌اکبر (1374)، مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی- گفتگو شماره 10.
- 7- موسوی، جلیل (1391) میراث معماری مدرن ایران- کتاب ماه هنر، شماره 163.
- 8- زرکش، افسانه (1390) عوامل تأثیرگذار بر معماری ابنیه خصوصی در دوره پهلوی اول- کتاب ماه هنر، شماره 160.
- 9- امینی، علی‌اکبر، ستوده، حسین (1390) پایگاه طبقاتی برخی از روشن‌فکران در دوران پهلوی و برخورد آنان با اندیشه‌های مردم سالارانه - اطلاعات سیاسی و اقتصادی- شماره 285.
- 10- دزنوخی، مریم (1381) بررسی دانشگاه و آموزش عالی در ایران، تکیه بر دوران حکومت رضاشاه پهلوی، مجله تاریخ پژوهی، شماره 12 و 13.
- 11- شیرازی، علی‌اصغر و یونسی، میلاد (1390)، تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول، شهر ایرانی- اسلامی، شماره 4.
- 12 - خبری، فروغ (بررسی تأثیر اندیشه‌های مشروطه بر معماری دوره پهلوی) پرتال جامع علوم انسانی- پاییز 1392، شماره 3.